

نشست‌های برگزار شده در
دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی
عنوان نشست: دوزبانگی در ایران: فرصت یا تهدید؟

شناسنامه نشست:	
واحد برگزارکننده نشست:	دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی با همکاری مرکز آرفای دانشگاه علامه طباطبائی
مسئول نشست:	دکتر رضامراد صحرایی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۰/۰۹/۲۰
اعضای هیئت علمی:	دکتر آزاد الله کرمی (عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان کردستان و ایلام)، دکتر رضا کلانتری (پژوهشگر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر معصومه نجفی‌پازکی (مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)
مسئله محوری نشست:	دوزبانگی در ایران: فرصت یا تهدید؟
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ وزارت آموزش و پرورش؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی و فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

چکیده مباحث طرح شده

این وبینار در قالب یک نشست تخصصی حل مشکلات کشور به مدت ۳ ساعت و با حضور ۴ متخصص در حوزه دوزبانگی (۳ سخنران و ۲ میزبان) و حدود ۱۰۰ نفر اعضای شرکت‌کننده برگزار شد. هدف اصلی نشست بررسی مسئله دوزبانگی و فرصت یا تهدید بودن آن بود.

سخنرانان حاضر در این نشست مجازی با محورهایی همچون «دوزبانگی چیست و چه کسانی دوزبانه محسوب می‌شوند»، «جنبه‌های مثبت دوزبانگی»، «جنبه‌های منفی دوزبانگی»، «مسائل دوزبانگی در بعد آموزشی»، «مدل‌های آموزش دوزبانه»، «دوزبانگی و آموزش در مناطق دوزبانه: امکان بومی‌سازی تجربیات جهانی؟»، «مدل‌های تعلیم و تربیت دوزبانه در دنیا»، «عوامل مؤثر در دوزبانگی: روانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی»، «پیامدهای استفاده از زبان مادری در آموزش» و «مبانی حقوقی استفاده از زبان مادری در آموزش و پرورش» به گفتگو پرداختند. اهم مطالبی که در این جلسه مطرح شد در ادامه می‌آید:

- دوزبانگی فرصت است؛ هم برای خود دوزبانه‌ها و هم برای پیشرفت کشور.
- سیر تعریف دوزبانگی در سال‌های اخیر منعطف شده است و امروزه دانستن دو زبان و نه الزاماً تسلط کامل بر آن‌ها ملاک دوزبانه بودن است.
- برای دوزبانگی می‌بایست طیفی از حداقل توانایی تا تسلط کامل قائل بود.
- دوزبانگی یک مزیت مهم شناختی است. افراد دوزبانه، برتری‌هایی نسبت به تک‌زبان‌ها دارند و در حل مسئله افراد قوی‌تری هستند. چرا که بر اساس مطالعات انجام‌شده، قوه شناختی آن‌ها نسبت به تک‌زبان‌ها رشد بیشتری دارد.
- تضاد هویت ملی، هویت قومی و افت تحصیلی همه ناشی از برخورد غیرعلمی با دوزبانگی است.
- دوره پیش‌دبستانی می‌بایست اجباری شود و در این دوره به کودکان غیرفارسی‌زبان، زبان فارسی به‌عنوان یک مهارت آموزش داده شود.
- همه گویش‌ها و زبان‌های محلی، ثروت ملی هستند و تنوع زبانی می‌بایست به‌مثابه تنوع زیستی در نظر گرفته شود.
- تأثیرات زبان اول و زبان دوم بر همدیگر یک‌سویه نیست و آن‌ها بر روی یکدیگر تأثیرگذار هستند.
- دغدغه اصلی ما توانش شناختی و توسعه‌نیافتگی غیرمتوازن است.
- کودکان دوزبانه شکاف‌های تحصیلی، زبانی و روانی را تجربه می‌کنند.

- بهتر است از شیوه‌های آموزش K12 برای آموزش کودکان دوزبانه استفاده شود.
- بر اساس متغیرهای مختلف تأثیرگذار در تعریف دوزبانگی، انواع دقیق دوزبانگی ایرانیان تعریف و تشریح شود و به تناسب بهترین روش‌ها، روندها و رویه‌های آموزشی را شناسایی کنیم.
- می‌بایست به تفاوت‌های کودکان دوزبانه با همدیگر و با کودکان تک‌زبانه در یادگیری توجه ویژه داشت.
- می‌بایست به تهیه و تدوین منابع آموزشی دیدگاه غیرمتمرکز داشت و عدالت آموزشی حکم می‌کند که کتاب‌ها و منابع درسی کودکان دوزبانه یکسان نباشد.
- ساعات درسی مناطق دوزبانه باید متناسب با واقعیت باشد.
- معلمان باید زبان اول زبان آموزان را بدانند.
- عدالت آموزشی از اهداف نظام است. لذا توجه به مقتضیات مناطق دوزبانه کشور یک اقدام عادلانه است.
- بومی‌گزینی در کنکور با عدالت ناسازگار است و هم به وحدت ملی آسیب می‌زند.
- افت تحصیلی در مقطع ابتدایی و مسابقات بین‌المللی ناشی از مسائل دوزبانگی در دانش‌آموزان است که موجب عملکرد نامناسب در جامعه بین‌المللی می‌گردد.
- مسائل را پیش از بحران‌شدن باید حل کرد و برخورد پیشگیرانه داشت.
- موضوع دوزبانگی یک موضوع کاملاً علمی و آموزشی است و نباید به آن به دید یک مسئله سیاسی و امنیتی نگریست.
- اکتساب موفقیت‌آمیز زبان اول مقدمه مهم تسلط بر زبان دوم است.
- احترام به زبان‌ها و قومیت‌های دیگر به انسجام ملی کمک می‌کند.
- تقویت نگرش والدین نسبت به زبان مادری منجر به بهتر یادگیری زبان فارسی در کودکان می‌گردد.
- آموزش و پرورش متمرکز یکی از مشکلات است. تأکید بر واژه‌های مشترک بین زبان‌های علمی و فارسی لازم است.

- کشوری که متنوع است شیوه‌های آموزشی آن نیز باید متنوع باشد.
- در ایران طبق آمار، مجموعاً حدود ۲۰ زبان وجود دارد که شامل زبان‌های ایرانی و غیر ایرانی می‌شود. زبان فارسی بیشترین گویشور را دارد و بعد از آن زبان‌های دیگری همچون ترکی آذری، کردی، لری، گیلکی، مازنی، بلوچی، لکی، تاتی و غیره قرار می‌گیرند.
- آدم دوزبانه دارای دو نظام شناختی و دو نظام ارتباطی بوده و فهم وسیع‌تری دارد.
- دوزبانه‌ها نظام استدلال، تصمیم‌گیری و تفکر پیچیده‌تری دارند و در نتیجه فرصت‌های شغلی بهتری به آن‌ها داده خواهد شد.
- از آنجایی که دوزبانه‌ها، دو فرهنگ هستند اهل صلح و دوستی هستند.
- باید میان زبان و سواد تمایز قائل شد. ما در زبان دوم آموزشی بحث سواد داریم اما در زبان اول آموزشی بحث زبان مطرح است. کسی که زبان اول را به‌خوبی می‌داند، زبان دوم نیز به‌خوبی یاد گرفته می‌شود. مسئله این است که ما زبان مادری را به‌خوبی آموزش نداده‌ایم و زبان دوم را نیز به‌خوبی نیاموخته‌ایم.
- تمایز میان «آموزش زبان» و «آموزش به زبان»، زبان محلی باید در خانواده آموزش داده شود. آموزش به زبان محلی قابل توجه است. بهره‌گیری از زبان مادری برای بهره‌گیری از نظام‌های شناختی توصیه می‌شود.
- میان یادگیری «زبان دوم» و «زبان خارجی» تمایز وجود دارد. بسیاری از کودکان ایرانی که زبان فارسی برای آن‌ها زبان دوم محسوب می‌شود تمایلی به استفاده از زبان فارسی ندارند. در نتیجه برای آن‌ها یک زبان خارجی محسوب می‌شود.
- بهتر است از فارغ‌التحصیلان رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان استفاده شود.
- محور اصل پانزدهم قانون اساسی، اتحاد و وحدت‌بخش همه مردم ایران است. در کشوری که سی‌چهار زبان فعال دارد، یکی از زبان‌ها باید نقش مرکزی را ایفا کند و این امر مربوط به دهه‌های اخیر نبوده و از دیرباز این نقش را زبان فارسی برعهده گرفته است.
- زبان فارسی زبان دوم مسلمانان جهان است.

- برای دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی می‌توان رویکرد قابلیت‌محور را در پیش گرفت. در این رویکرد گفته می‌شود در آخر دوره تحصیل باید به این توانایی‌ها برسد. کتاب هم در این راستا تولید می‌شود.

توصیه‌های سیاستی:

۱. یکی از چالش‌های آموزش در مناطق دوزبانه، مشکلات ناشی از محتوای متمرکز و یکپارچه برای همه کودکان ایرانی است که چالش‌هایی را برای دانش‌آموزان و معلمان به وجود می‌آورد. عدالت آموزشی حکم می‌کند که منابع درسی کودکان دوزبانه با منابع درسی کودکان تک‌زبانه (حداقل در دوره ابتدایی) متفاوت باشد. برای مناطق دوزبانه در اکثر درس‌ها، محتوای درسی به تجربیات و مهارت‌های زبانی و فرهنگی و علائق دانش‌آموزان چندان توجه نمی‌شود. لحاظ نکردن تفاوت‌های فرهنگی و زبانی در مناطق و نواحی دوزبانه در برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی و اجرای برنامه آموزشی یکسان در همه مناطق و نواحی به فراهم‌سازی فرصت‌های آموزشی مناسب منجر نشده است. در زمینه راهبردهای فارسی‌آموزی در مناطق دوزبانه نیاز به کار بسیار جدی و تدوین و ارائه رهنمون‌های مناسب و کارآمد برای معلمان است. در این زمینه کاستی قابل توجهی در برنامه درسی و راهنمای برنامه فارسی‌آموزی فعلی وجود دارد. برای مناطق دوزبانه در انتخاب و تنظیم محتوا برنامه ویژه‌ای لازم است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در این مناطق از بسته‌های آموزشی متناسب با فرهنگ منطقه استفاده شود و نیز محتواهایی در نظر گرفته شود که با توجه به زبان مادری و لهجه کودک در ادای کلمات، برای فارسی‌آموزی تسهیل‌کننده و به‌عنوان زبان دوم و مناسب آن منطقه باشد. این بدان معناست که آموزش و پرورش نباید متمرکز عمل کند و حدی از غیرمتمرکز بودن را در دستور کار خودش قرار بدهد. ایجاد کارگروه‌های تخصصی در مناطق مختلف دوزبانه جهت طراحی و تولید محتوای آموزشی به زبان مادری در رفع مشکل فقر منابع زمانی رهگشا خواهد بود.

۲. بسته به فراگیری زبان اول و یادگیری زبان دوم، هر کدام از نظریه‌های یادگیری زبان، دیدگاه‌ها، اهداف و روش‌های تدریس و ارزشیابی مختلفی را پیشنهاد می‌کنند که متأسفانه معلمان مناطق دوزبانه با آن‌ها آشنایی کافی ندارند. از این رو، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت ویژه معلمان مناطق دوزبانه با رویکرد نحوه تدریس، ارزیابی تکالیف، تدوین مطالب آموزشی و همچنین دوره‌هایی برای آشنایی مدرسان با خطاهای زبانی دانش‌آموزان و نحوه برخورد با این خطاها ضروری می‌نماید. پیشنهاد می‌شود آموزش‌های تکمیلی معلمان و تحول از نظر روشی، نگرشی و دانشی در مراحل مختلف و حمایت مداوم از تحول حرفه‌ای آن‌ها در ارتباط با ارتقای کیفیت مدرسه و یادگیری در اولویت قرار گیرد و برای انتخاب و آموزش معلم‌های زبان فارسی در مناطق دوزبانه طرح‌هایی تدوین گردد و دانشگاه‌های مادر در این زمینه پیش‌تاز باشند.
۳. باید میان «آموزش زبان» و «آموزش سواد» تمایز قائل شد. کودکان دوزبانه پیش از یادگیری خواندن و نوشتن باید بر زبان فارسی مسلط شوند. این بدین معناست که باید آموزش رسمی کودکان غیرفارسی‌زبان دو سال زودتر و از پنج‌سالگی آغاز شود. آموزش‌های پیش از دبستان یکی از مهم‌ترین نیاز دانش‌آموزان دوزبانه است. با توجه به اینکه درصد زیادی از کودکان دوزبانه در مناطق مرزی و روستایی و مناطق محروم ساکن هستند، عدم حضور آن‌ها در کلاس‌های پیش‌دبستانی و غیر همگن بودن کلاس‌ها، چالش‌های جدی برای معلمان در سال‌های دوره اول ابتدایی به وجود می‌آورد. با ارتقای پوشش تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و اجرای برنامه آموزش زبان فارسی بایستی کودکان این مناطق را به حد نسبی تسلط به زبان فارسی برساند تا فاصله و شکاف زبانی این دانش‌آموزان در مقایسه با دانش‌آموزان هم‌گروه سنی فارسی‌زبان خود را کمتر شود. در این صورت، کودکان پیش‌دبستانی نه تنها در برنامه زبان‌آموزی بلکه در ارتباط برقرار کردن با برنامه‌ها و کتاب‌های درسی کمتر دچار مشکل می‌شوند و از چالش‌های معلمان در این زمینه کاسته می‌شود.

۴. می‌توان از عوامل یاری‌رسان مؤثر در دوزبانگی استفاده کرد. برای مثال، وجود برنامه‌های آموزشی از طریق رادیو و تلویزیون مخصوص دوزبانانها و دسترسی همگانی به آموزش رسمی و درعین حال استفاده مناسب از ارزش‌های ادبی - هنری - فرهنگی گروه‌های مختلف قومی - فرهنگی - زبانی؛ استفاده از رسانه‌های عمومی، نشریات و شبکه‌های مجازی و فعالیت‌های علمی - فرهنگی و بازی به زبان فارسی به‌ویژه برای گروه کودکان و نوجوانان و همچنین توجه به زبان و ادبیات بومی قومیت‌های مختلف کشور و آموزش ادبیات آن‌ها می‌تواند مفید باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود از محتوای الکترونیکی و چندرسانه‌ای به زبان مادری جهت غنی‌سازی محیط‌های یادگیری استفاده کرد.
۵. «آموزش به زبان مادری» با «آموزش زبان مادری» دو امر متفاوت‌اند. «آموزش زبان مادری» ضرورتی ندارد؛ اما آموزش به زبان مادری برای یادگیری بهتر زبان فارسی و دروس علوم و ریاضی توصیه می‌شود. ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی، برنامه‌های آموزشی مبتنی بر زبان مادری و یا دوزبانان را در دستور کار قرار دهند و برای شروع می‌توانند از چند استان دوزبانان که تنوع در گویش و لهجه کمتری دارند، به‌صورت آزمایشی استفاده کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود، دوره آموزش معلمان درباره اصول آموزش مبتنی بر زبان مادری قبل از شروع سال تحصیلی تشکیل شود.
۶. بومی‌گزینی در کنکور موضوعی است که نیاز به تجدیدنظر اساسی دارد و ادامه وضع فعلی علاوه بر اینکه از لحاظ عدالت آموزشی محل سؤال است، پیامدهای منفی دیگری نیز دارد که اولین آن کاهش انسجام ملی است. توصیه می‌شود که اثرات بومی‌گزینی در کنکور سراسری از زوایای مختلف به‌صورت تخصصی مورد ارزیابی قرار گیرد.
۷. آموزش و پرورش اهدافی را مشخص کند که دانش‌آموزان در انتهای هر سال تحصیلی می‌بایست به چه قابلیت‌هایی برسند و بر این اساس مدارس در شهرهای مختلف، آزادی عمل در انتخاب شیوه آموزشی داشته باشند. این بدان معناست که رویکرد قابلیت‌محور باید جایگزین رویکردهای کلاسیک در ارزیابی میزان موفقیت کودکان دوزبانان شود.

۸. از آنجایی که فارغ‌التحصیلان رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان درس تخصصی این رشته را خوانده‌اند و آمادگی مواجهه با انواع مشکلات فارسی‌آموزی را دارند، بهتر است برای تدریس به افراد دوزبانه از قابلیت‌های آنان نیز بهره گرفته شود.

۹. افت تحصیلی در مقطع ابتدایی و به‌ویژه عملکرد نامطلوب دانش‌آموزان ایران در مسابقات بین‌المللی همانند تیمز و پرلز ریشه در نگرش غیرعلمی به مسئله دوزبانگی در ایران و نحوه آموزش دانش‌آموزان مناطق دوزبانه است. پیشنهاد می‌شود برای حل این مشکل، «کمیت» ویژه اقدام علمی» برای رفع این معضل در وزارت آموزش و پرورش و مشخصاً در سازمان پژوهش و برنامه‌درسی تشکیل شود.

۱۰. اصل پانزدهم قانون اساسی که در فصل کلیات این قانون آمده است، متضمن ارتقای زبان فارسی در ایران و تثبیت آن به‌عنوان محور وحدت همه اقوام و گروه‌های ایران است. متأسفانه، برداشت نادرست از ماهیت این اصل باعث شده است که برخی از گروه‌های سیاسی از آن به‌عنوان یک ابزار جهت آموزش زبان قومی و محلی خود بهره بگیرند و دائماً در رسانه‌ها ضرورت آموزش زبان‌های محلی را در چارچوب همین اصل قانون اساسی بیان می‌کنند. از آنجا که در این اصل، هیچ اشاره‌ای به آموزش زبانی غیر از فارسی نشده و حتی فارسی در این اصل مبنا و محور دانسته شده است، ضرورت دارد نسبت به تبیین اصل پانزدهم قانون اساسی و فرصت‌هایی که برای زبان فارسی در وهله اول ایجاد کرده، جلسات کارشناسی در سطح مدیران وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای ذی‌ربط برگزار شود.

۱۱. دوزبانگی و چندزبانگی یک پدیده رایج در سطح جهان است. مطابق برخی از اسناد تا بیش از ۷۰ درصد از مردم جهان دو یا چندزبانه هستند (بیکر، ۲۰۰۸)؛ بنابراین ضرورت دارد یک گروه یا مرکز پژوهشی خاص برای بررسی مسئله دوزبانگی و ارتباط آن با آموزش تأسیس شود که از طریق آن با سازمان‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی و بین‌المللی اطلاعات مبادله شود و متناسباً نسبت به بومی‌سازی آن تجربیات برای آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه استفاده کند.

۱۲. موضوع دوزبانگی ابعاد مهم فرهنگی، اجتماعی و در برخی موارد اقتصادی، سیاسی و امنیتی دارد. ضرورت دارد همه این ابعاد با دقت توسط نهادهای ذی‌ربط بررسی شود و از دوزبانگی که یک فرصت بی‌نظیر برای ایران است به‌عنوان یک مقدمه خوب جهت توسعه شناختی کودکان ایران‌زمین استفاده شود. آنچه مسلم است امروز آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه به دو دلیل ناموفق است. نخست آنکه، در مناطق دوزبانه برخلاف گذشته، کودکان زبان مادری خود را به‌خوبی یاد نمی‌گیرند. دوم آنکه، زبان فارسی به شیوه علمی به آن‌ها آموزش داده نمی‌شود و همین باعث ایجاد شکاف هویتی در کودکان ۷ تا ۱۱ ساله مناطق دوزبانه شده است؛ به‌گونه‌ای که نه به‌طور کامل متعلق به جامعه زبانی اول هستند و نه به‌طور کامل بر مقتضیات جامعه زبانی معیار و ملی خود مسلط شده‌اند؛ بنابراین ضرورت دارد نسبت به تثبیت زبان مادری در این مناطق دید عالمانه‌تری داشته باشیم؛ به‌گونه‌ای که افراد بتوانند پس از یادگیری کامل زبان مادری خود، فرایند یادگیری زبان فارسی را شروع کنند. تجربیات علمی نشان داده است که چنانچه کودکی زبان مادری خود را به‌خوبی فراگرفته باشد، یادگیری زبان دوم که در اینجا موضوع بحث ما زبان فارسی است، برای او راحت‌تر خواهد بود (اسپادا و لایت‌بون، ۲۰۱۳). از این‌رو پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی ویژه والدین، معلمان و دانش‌آموزان برای برطرف کردن مشکلات اجتماعی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به زبان مادری تشکیل شود.

۱۳. در طراحی و تولید محتوای اصلی به زبان فارسی در مقاطع پایین تحصیلی ضمن تأکید بر واژه‌های مشترک زبان فارسی و زبان مادری، تأکید بر مفاهیم عینی و محسوس و متناسب با سن دانش‌آموزان باشد.

۱۴. محتوای ارائه‌شده به زبان رسمی متناسب با رویکرد تکلیف‌محور در آموزش زبان باشد و از زبان مادری در ابتدا برای آشنایی با مفاهیم و مباحث استفاده شود.